

از: سرهنگ بازنشسته بایوردی

## وجه تسمیه‌ها



### وجه تسمیه قاهره

بطوری که ناصر خسرو در سفر نامه خود مینویسد : قاهره مصر را قاهره معزیه گویند زیرا در حدود ۳۶۳ هجری قمری المعزالدین‌اله از اولاد حضرت امام حسین علیه السلام مصر و اسپانیا را گرفته قشونی بسرداری جوهر نام‌امور گرفتن مصر نموده چون عبور از رود نیل بواسطه خطرات نهنگ و باصلاح امروز

کوسه و کثرت آب باعرض وسیع رودخانه که دریای متحرک است غیرمقدور بوده. المعزالدین بسرمه‌ار خود میگوید وقتیکه شما بلب آب میرسید سگ سیاهی پیش از شما در آب رود آن سگ از هر کجا عبور کند شما هم از همانجا عبور کنید و همینطور میشود و عمل میکنند.

تا اینکه در سنوات بعد خود المعزالدین با سپاه بسیار بکنار

نیل آمده در محل شهر قاهره فعلی با اردوی خود چادر زده دستور میدهد هر کس برای خود خانه بسازد که از مجموع این خانه‌ها شهری بوجود می‌آید که چون زمین آن بقره و غلبه گرفته شده بود باین جهت قاهره نامیده می‌شود.

و عجب اینکه در همان اوقاتی که ناصر خسرو با آنجا ها سفر کرده در قاهره عمارات هفت طبقه وجود داشته و روغن چراغ را از شلغم و ترب گرفته می‌سوزانده و حالا هم قاهره قیافه شرقی و غربی هر دو را دارد و یکی از پایتخت‌های معروف و معمور عالم اسلام می‌باشد.

### وجه تسمیه شاهسون

وقتیکه شاه اسمعیل صفوی خروج کرد عده قلیلی از پیروان صفوی در رکاب او بودند که از گیلان به اردبیل و آذربایجان و از آنجا بماوراء ارس رفته ، بنوشته خلاصه التواریخ و سایرین در ورود به ناحیه آارات بایبوردیها که آنها را از نقطه نظر محل و

مبداء به اصطلاح زمان در مملو ، نیز می‌گفتند : برکاب همایونی پیوسته همینطور ایلات افشار ، شاملو ، استاجلو ، ذوالقدر ، قاجار ، تکلو و غیره بزیر علم ولایت گرد آمده باین ترتیب با غلبه به متمرکدین داخلی و دشمنان خارجی شالوده شاهنشاهی صفوی راریخته این ایلات و افراد نیز به قزلباش شهرت یافته که وجه تسمیه آنهام جدا گانه است و چون سران ایلات و رؤسای قزلباش در تشکیل امپراطوری زحمت کشیده و خود را در این کار بزرگ سهیم میدانستند هر کدام بنوبه زور و نفوذ خود در امور مملکت دخیل و صاحب نظر بوده و توقعاتی داشتند که گاهی بین خودشان نیز رقابت های شدید رخ داده منتهی به بی نظمی و آشوب بزرگ میگردید بطوری که در فوت شاه طهماسب اول و تعیین جانشین او و سایر موارد چنان بهم ریختند که اسباب زحمت کلی بود.

تا شاه عباس کبیر روی کار آمده و با توجه به این اوضاع و خاتمه دادن بنفوذ رؤسای ایلات

که منحصر اقوای مسلحه مملکتی را فراهم میکردند.

سازمان جدید و مستقلی ایجاد کرد که اختصاص بهیچیک از ایلات نداشته و صرفاً مطیع و متعلق بشخص خود بوده و در عین حال قوه و قدرتی در مقابل قزلباش بوده که این سازمان بطور داوطلب از افراد مورد اعتماد قزلباش انتخاب شده و بشاهسون موسوم گردید که لفظ ترکی و فارسی آن دوستدار شاه میباشد و شاهسون هادرهمه جامتفرق بودند که دوشعبه عمده آن یکی در آذربایجان شرقی ناحیه اردبیل و ارشق و ارسباران و یکی در اطراف ساوه و طهران معروف بشاهسون بغدادی میباشد و باوجود اینکه وضع ایل و عشایری روز بروز بتحلیل میروند هنوز هم هر دو قسمت بقیه السیف شان موجود میباشد. که شرح و تفصیل آن از موضوع بحث ما خارج است.

### وجه تسمیه فردوسی

سوری نام از امراء سلطان محمود غزنوی باغی در نیشابور

داشته که پدر فردوسی سرپرست آن باغ بوده سرش حکیم ابوالقاسم باین علت که باغ قشنگ و باصفا را فردوس گویند فردوسی تخلص نموده است.

و نیز گویند فردوسی در حضور سلطان محمود اشعاری خوانده که سلطان خیلی خوشش آمده و فرموده (مجلس ما را فردوس کردی) از اینجا حکیم به فردوسی تخلص یافته است . ؟

### وجه تسمیه بازار

#### مکاره

حاجی زین العابدین شیروانی درس ۵۹۶ بستان السیاحه و مسیونیکی - تین قنسل سابق روسیه در رضائیه در صفحه ۸۵ کتاب خود موسوم بایرانی که من شناختم ام مینویسد: بازار مکاره چون قدماً در اراضی سن ماگارد از توابع حاجی طرخان بازاری برای ملل آسیائی تشکیل میشد ایرانیان بتدریج اصطلاحاً بازار مکاریه یا مکاره گفتند.



هستند که بمروور زمان قشقایی تلفظ شده و مولوی علیه الرحمه در حکایت کنیزک سمرقندی گوید:

گفت کوی او کدامست و گذر  
اوسر پل گفت و کوی غاتفر  
کاشفر را قاتفر مینویسد .  
اقتباس از ص ۱۰۵ تاریخ سرگذشت  
مسعودی ضمناً قشقایا قاشقا بزبان  
ترکی اسب پیشانی سفید یا به  
اصطلاح اسب شناسی رخ کشیده  
را نیز گویند و شاید با داشتن این  
قبیل اسبها قشقایی نامیده  
شده‌اند .

## ویک مثال دیگر از نکته دانی و موقع شناسی

وقتی که امیر تیمور بحدود  
شیروان و گرجستان نزدیک شد  
امیر شیخ ابراهیم از سلاطین شیروان  
عقل و زرنگی کرده با خدم و حشم  
اورا استقبال نموده نه تنها مملکت  
خود را از حمله و تعرض امیر تیمور  
محفوظ داشت بلکه چیزی هم  
زیاده بر آنچه داشت از طرف  
امیر باو مرحمت شد .  
گویند از اسب واستروفیل  
و غلام و کنیز و غیره از هر کدام

۹ تا پیشکش عرضه کرده الاغلام  
که هشت تا بوده و بمحض اینکه  
امیر جلوه غلامان میرسد خود شیخ  
ابراهیم شاه در صف غلامان ایستاده  
عرض میکند: یکی خودم هستم و  
امیر تیمور از بیان و کار او بسیار  
خوشنود شده حکومت سابق و لاحق  
اورا تأیید مینماید .  
معاذی شاعر تبریزی که در  
دربار سلاطین شیروان بوده این  
ماجرا را بنظم در آورده و گوید:  
غلامان ترکی زبان هشت برد  
بجای نهم خویشان را شمرد  
چو گل شاه بشکفت از کار او  
از آن کرده شد گرم بازار او  
از چهل مقاله حاجی حسین نخجوانی  
اقتباس شد .

## وجه تسمیه شقاقی

شقاقی‌ها طوایفی هستند که  
مرکز اصلی شان سراب و گرم رود  
آذربایجان بوده و در طهران و  
غالب نقاط ایران پراکنده و اغلب  
در خدمت دولتی میباشند . از  
عهد آقا محمد خان قاجار صادق  
خان شقاقی صاحب اسم و رسم بوده  
حتی در بدو جلوس فتحعلیشاه  
با او مقابله و بالاخره پس از  
جریانات زیاد کور و معدوم شده  
است .

بطوری که تیمسار سر لشکر عزیزالله ضرغامی از معروفین و معمرین این سلسله صحبت کردند.

بروایتی در واقعه کربلا و تجهیز قوای یزیدی بر علیه حضرت حسین علیه السلام از طایفه شقاقی نیز که آن موقع در عربستان سکونت داشته اند دعوت میشود که یکده سوار زبده بکمک قشون خلیفه پادار و همراه نمایند شقاقیها مراتب را بین خود مطرح و مذاکره نموده برای این که زیر بار این ننگ و مأموریت منحوس نروند بهانه میکنند که اسبهای شان دچار شقاق شده و نمیتوانند در این جنگ شرکت نمایند و از اینجا بشقاقی موسوم میشوند.

ناگفته نماند شقاق یک نوع زخم موضعی است که در گودی مچ پای اسب که در اصطلاح سواری و ترکی - بخولق (محل زدن پای بند) گویند از عدم نظافت تولید شده و در عین حال مسری بودن مدت ها معالجه آن طول میکشد.

### وجه تسمیه بحر خزر

خزر نام طایفه قدیمی است

از اترک که در حوالی بحر خزر سکونت داشته و این دریا بنام آنها بحر خزر نامیده شده است.

دریای مازندران و آبسکون نیز گویند.

### وجه تسمیه حاج طرخان

شهر بندری حاج طرخان یا به اصطلاح عوام هشترخان در شما لغرب بحر خزر و مصبردود ولگا روزگاری به ایران تعلق داشته و حالا جزو روسیه میباشد بانی آن حاجی بیک نام از طایفه طرخان بوده به اسم او حاجی طرخان نامیده شده آرد گندم آن شهرت دارد.

از صفحه ۲۷ سرگذشت مسعودی باضافات.

ایضاً - قلمه فلك الافلاك  
خرم آباد لرستان و عمارت هشت بهشت از اتابکان فارس مانده و محمد علی میرزادولت شاه بن خاقان آنرا تعمیر نموده و بطوری که چندماه پیش در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود دولت در نظر دارد این دو عمارت را جزو آثار تاریخی حفظ و حراست نماید.